

بمناسبت روز ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها) و روز پرستار - 24 / بهمن / 1394

قسمتی از بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

به نظر من بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری (سلام الله علیها) است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب نمی بود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) - حضرت سجاد و دیگران - نمی بودند، حادثه‌ی عاشورا در تاریخ نمی ماند.

بله، سنت الهی این است که این گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه‌ی سنتهای الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ این است که اصحاب سیر، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقایق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند.

31/ شهریور/ 1384

قسمتی از بیانات در دیدار جمعی از پرستاران

پرستار فرشته‌ی رحمت برای بیمار است. آن وقت که بیمار از همه جا دستش کوتاه است، در آن ساعاتی که حتی همسر، فرزندان و پدر و مادر بیمار هم بالای سرش نیستند، چشم امیدش بعد از خدا به پرستار است و این پرستار است که مثل ملائکه‌ی آسمانی، مثل فرشتگان رحمت، به دردها، مشکلات و نیازهای جسمی و عاطفی او پاسخ می دهد؛ اینها خیلی مهم است؛ اینها پیش خدای متعال فراموش نمی شود. البته ممکن است هیچ چشمی هم این زحمت شما را نبیند. خیلی از زحماتی که شما می کشید و رنجهایی که می برید، کسی آنها را نمی بیند. گاهی یک لبخند شما به بیمار دل افسرده، به او جان دوباره می دهد. چه کسی این لبخند را می بیند؟ چه کسی آن را به حساب می آورد؟ چه کسی یک معادل و پاداش مالی و پولی در مقابل این لبخند می گذارد؟ هیچکس؛ اما کرام الکتابین می بینند؛ محاسبه گران میزان الهی همین لبخند شما را می بینند. اگر در عوض لبخند، اخم هم بکنید، اخم شما را هم می بینند. هیچ حسنه و هیچ سیئه‌ی از دید تیزبین حسابگران دیوان الهی و میزان الهی غائب نیست. قدر این کار و این خدمت بارزش را بدانید. اگر یک وقت دیگران قدرناشناسی کردند، خود شما قدر این کار را بدانید؛ این کار بسیار کار مهمی است. در روایت هست که کسی که بر سر بیمار می رود، مثل کسی است که در رحمت الهی غوطه ور می شود. ممکن است بعضی تعجب کنند که مگر بر سر بیمار رفتن چه خصوصیتی دارد. خود شما که نیاز بیمار و تأثیر کار خودتان را می دانید، می فهمید که چرا چنین پاداش بزرگی برای بیماردار و پرستار گذاشته شده است؛ چون تأثیر آن تأثیر غیرقابل محاسبه و برتر از محاسبات معمولی است. روحیه دادن به مریض گاهی از دادن داروی او بسیار حیات بخش تر و مؤثرتر است؛ این روحیه را شما می دهید. در دعاها می خوانیم: «اللهم ائی اسألک موجبات رحمتک»؛ رحمت الهی را که بی محاسبه و بی جهت به کسی نمی دهند؛ باید التماس کرد پیش خدا تا موجبات رحمت را به ما بدهد؛ یعنی آن کاری را انجام بدهیم که موجب رحمت می شود، تا بعد خدا رحمت خودش را بفرستد. این کار، برترین موجبات رحمت است، که خیلی مغتنم و خیلی بارزش است. این، آن نکته‌ی بی بود که مایل بودم شما توجه کنید و بدانید مشغول چه کار بارزشی هستید.

03/ تیر/ 1383